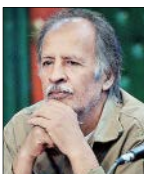


## روی دیگر قضیه حمید خاوری نژاد!



محمد تقی فهمید  
منتقد سینما

نظام ناعادلانه پرداخت دستمزد عوامل تولید پروژه‌های تصویری برکسی پوشیده نیست، جدا از مبالغ پایین دستمزد پیشکسوتان مثلا بازیگری، پرداخت ناقص یا بخشی از همین مبالغ هم خود ظلم مضاعف و آشکاری است. بارها خواننده و شنیده‌ایم که فلان بازیگر گفته اگر تهیه‌کنندگان حقوق واقعی مرا پرداخت می‌کردند صاحب برجی در تهران بودم، درحالی که الان مستاجر!م! پس از ماجرای فرخ‌نژاد، بازیگری قدیمی می‌گفت: «دو سال پیش برای پنج جلسه به‌کاری دعوت شدم که هنوز نصف دستم‌زدم را نپرداخته‌اند و بعید است که دیگر قادر به گرفتنش باشم، اما امثال این سلبریتی با دورویی و نفاق و به یمن ظاهرینی و مروجیت برخی تهیه‌کنندگان و مدیران، کارش شروع نشده حسابش پر بوده است. دراین میان خانه سینما در تمام این سال‌ها نخواستہ طرح و نظامنامه‌ای کاربردی رایگیری کند تا عدالت برقرار شود». فرار حمید فرخ‌نژاد با پشت سری آکنده از نارو و خیانت به رقابیش تا بالا کشیدن مبلغ قرارداد با تهیه‌کننده طرف فارابی و ... اتفاقی هولناک به شمار می‌رود. ماجرای این سلبریتی را اساسانی‌توان با هیچ‌یک از دیگر مهاجران فراری‌ها و مخالفان رفته از کشور مقایسه کرد. کاری که این بازیگر حلوائی تترائی مدیران و تهیه‌کنندگان ادوار مختلف سینما انجام داد نزد اکثر جامعه سینمایی نیکویده و محکوم شده است تا آنجا که علاوه بر عرصه فرهنگ در میان جناح‌های بیرون از دولت حتی کمتر کسی پای توجیه عملکرد آن آمد و در میان اپوزیسیون خارج نیز آنهایی که به نقدش ننشستند، برایشان بیش از یک وسیله تبلیغی کارایی نیافته است. عموما، فرخ‌نژاد را در ردیف خاوری ارزبایی می‌کنند. کسی که با پینه پیشانی‌اش همه را می‌رفیفت تا به موقع اختلاس، مطامع فردی‌اش بر هر چیزی ارجح باشد، همچنان که فرخ‌نژاد در قامت بیشترین ایفاگر نقش ماموران امنیتی و تندیس و جلوه حامیان ایدئولوژیک نظام، اما همه هم و غم‌اش بالا کشیدن هرچه بیشتر پول و بالاخره نفس عملش قرار گرفتن در کنار امثال خاوری‌ها بوده است. این را خود او هم واقف است که درجه برزخی گرفتار شده است کما این‌که در روزهای اخیر جملگی اظهاراتش نوعی دفاع از خود بوده تا مثلا حمله به نظام، او -حالا در یک بی‌وجدانی به‌سر می‌برد به‌طوری‌که نزدیک‌ترین دوستان و همکارانش از این بی‌معرفی شاخ درآورده‌اند. همان‌ها که سر آخرین کارش روزهای متمادی بر سر یک سفره می‌نشستند و از یک نمکدان ذائقه خوش می‌کردند. آنهایی از چنین عمل دشمنانگانه و بی‌سابقه در میان مدعیان فرهنگ و هنر خطاب به او ضمن یادآوری در آغوش گرفتن یک‌دیگر تاحظه آخر، به خودخواهی او و بلایی که سرشان آورده نوشتند: «چقدر عجیب است که خبرهای درگوشی حل مشکل خروج هنرمندان را شنیده باشیم و دقیقا رفتاری کنید که مشکل ممنوع‌الخروج دوباره برای همه هنرمندان و دوستان‌تان برقرار شود». البته دوستان فرخ‌نژاد یادشان نبوده که او پیشتر در تیربینی رسمی همه مردم ایران را فدای یک تار موی پسرش دانسته و صریحا گفته بود که باید ماهی ده هزار دلار به آمریکا بفرستد. بنابراین عجیب نیست که هم سفره‌ای‌هایش را در کنار وطنش یکجا بفروشد، به‌هرحال کنایه و گلابه و اعتراضیه به فرخ‌نژاد دربین سینماگران به شیوه‌های مختلف ادامه دارد اما آنچه عجیب است وادادگی همواره مدیران دولتی در برابر کسانی است که با نقاب همراهی با نظام بستر بیشتری برایش پهن می‌کردند. این ظاهرینی مدیران و اهمیت به افراد بادو«ماسک» آسپیش فقط در عرصه سیاست نبوده است بلکه غفلت از تحقق عدالت در استیفای حقوق زحمتمکشان صنوف مختلف سینمایی تجلی جدی‌تری داشته است. بی‌تردید تا مناسبات اقتصادی آلوده و غلط حاکم بر پشت صحنه سینما ادامه داشته باشد، گروه زحمتکشان و اهالی با فرهنگ، استثمار مضاعف خواهند شد و متقابلا بچه زنگ‌ها و آنها که اهل فروش همه چیزند پول پارو خواهند کرد. عملی شدن شعار عدالت دراین زمینه‌ها نیز از جمله اولین نیازهای نقلی می‌شود.

محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی در افتتاحیه روزهای فیلم روسیه در بنیاد سینمایی فارابی عنوان کرد: «تفکر تحریم‌محور» به‌ویژه در عرصه فرهنگ و سینما محکوم به شکست است. خزاعی در آیین افتتاحیه «روزهای فیلم روسیه» که به‌تازگی با حضور مدیران ارشد سینمایی ایران، سفر روسیه و مهمانان ویژه سینمای روسیه در سالن زنده‌یاد عباس کیارستمی بنیاد

## گسترش تعاملات سینمای ایران – روسیه

# دیدار حضرت زهرا(س) با شهید جاوید الاثر

## نگاهی به مستند «بانو» روایتگر زندگی عصمت احمدیان، زن کارآفرین و مادر ۲ شهید

**حضرت فاطمه زهرا(س) و سینما؟ سؤال بی‌جواب و نسبت غریب و نامتعارفی است. البته این جواب صریح و تاسف‌بار، نتیجه عملکرد سینمای ایران در همه سال‌های فعالیتش است که به طور مستقیم و در بستر تاریخی سراغی از حضرت زهرا(س)، این الگوی زنان مسلمان نگرفته و اساسا درباره این تکلیف و ادای دین، احساس نیاز نکرده است. شاید به شکلی محو و غیرمستقیم برخی فیلمسازان متعهد به باورها و اخلاقیات دینی در بعضی از آثارشان، بانوانی را با چشمه‌ها و نشانه‌هایی متأثر از ویژگی‌های حضرت زهرا(ع) به تصویر کشیده باشند. در سینمای مستند چنین مواجه‌ها، خوانش‌ها و تأثراتی بیشتر است و فیلم‌های بسیاری درباره بانوان ایرانی ساخته شده که هرکدام ذره و جلوه‌ای متأثر از دختر گرامی پیامبر اسلام، همسر امیرالمومنین (ع) و مادر فرزندان چون امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) را روایت کردند. شاید این جلوه‌ها هم بدون ذکر نام و ارجاع به منبع و منشاء اصلی باشد، اما از آنجا که هر بانوی مومن و معتقد و متعهدی، از ارادتمندان حضرت زهرا(س) است، قطعا این اعتقاد، پایبندی و الگوبرداری، در ناخودآگاه و چه بسا خودآگاه او نفوذ می‌کند و در گفتار و رفتار و ویژگی‌هایی خودش را نشان می‌دهد. از این رو و با همین نگاه، هر بانوی مومن، مسلمان، متعهد، دغدغه‌مند، با اخلاقیات مثبت و خصایل نیکوی انسانی، حتما نشانه‌هایی از حضرت زهرا(س) دارد و هر روایتی از آنها سلامی بر ام‌ابیهاست. اینجا تنها به عنوان نمونه و تنها به مناسبت ایام فاطمیه، گزینه‌ای بهتر از مستند «بانو» با محوریت زندگی خانم عصمت احمدیان، بانوی خیر و کارآفرین و مادر شهیدان ابراهیم و اسماعیل فرجوانی سراغ نداشتیم.**

جبهه و جنگ بسیج خواهران اهواز تا تربیت فرزندان صالح و شایسته و تقدیم آنها به نظام و انقلاب اسلامی به عنوان جانباز (نسرین) و شهید (ابراهیم واسماعیل).

فارغ از پیوندها و علقه‌های شخصیت مستند «بانو» با حضرت فاطمه زهرا(س)، در سکانسی از مستند هم خانم احمدیان به شکلی واضح و مستقیم یادی از حضرت زهرا می‌کند و بر ارتباط تنگاتنگ و ناگسستگی در این زمینه می‌افزاید. در قبلی قدیمی که عصمت احمدیان میناسلد در حضور همسرش، پدر شهید صحبت می‌کند، خاطره‌ای از پسر شهیدش اسماعیل – که از فرماندهان یکی از گردان‌های جنگ تحمیلی بود – و تأکید وی بر مفقودالآثر بودن می‌گوید: «می‌گفتم مامان چرا میگی آدم باید مفقودالجسد باشه؟ پس مادران چه‌کنند؟ ماکجا بیاییم سر مرزتان؟ می‌گفت، مامان! رزمنده‌ای که در راه خدا، باینت خالص و مخلص، خون خودشو اهدا کند، مطمئن باش همون جایه که جسدش می‌افتد، حضرت زهرا سلام..! علیها هرشب جمعه به بالینش میاد، خب، بهتر اینه که آدم مفقود باشه که حضرت زهرا به بالینش بیاد». احمدیان در ادامه می‌گوید پیرو همین علاقه و تأکید حاج اسماعیل، از جایی به بعد و با محرز شدن شهادتش، پیگیر پیدا کردن پیکر فرزندش نشده‌است، با این‌که پیکر اسماعیل ۱۸ سال بعد و طی تفحص شهدا، به آغوش مادر برمی‌گردد. احمدیان، قبل از اسماعیل هم شهادت پسر دیگرش ابراهیم را تاب آورد، پسری که پیکرش بی سر در خاک وطن آرمید، شهیدی بی سر همچون حسین(ع) فرزند حضرت فاطمه زهرا(س).

در صحنه منقلب‌کننده‌ای در مستند، مادر بر مزار ابراهیم حاضر می‌شود و با لیخند تلخ متمایل به گریه‌ای می‌گوید: «این ابراهیم منه، این سر نداره، این الان سرش نمی‌دونم کجاست؟ دستش نمی‌دونم کجاست؟»



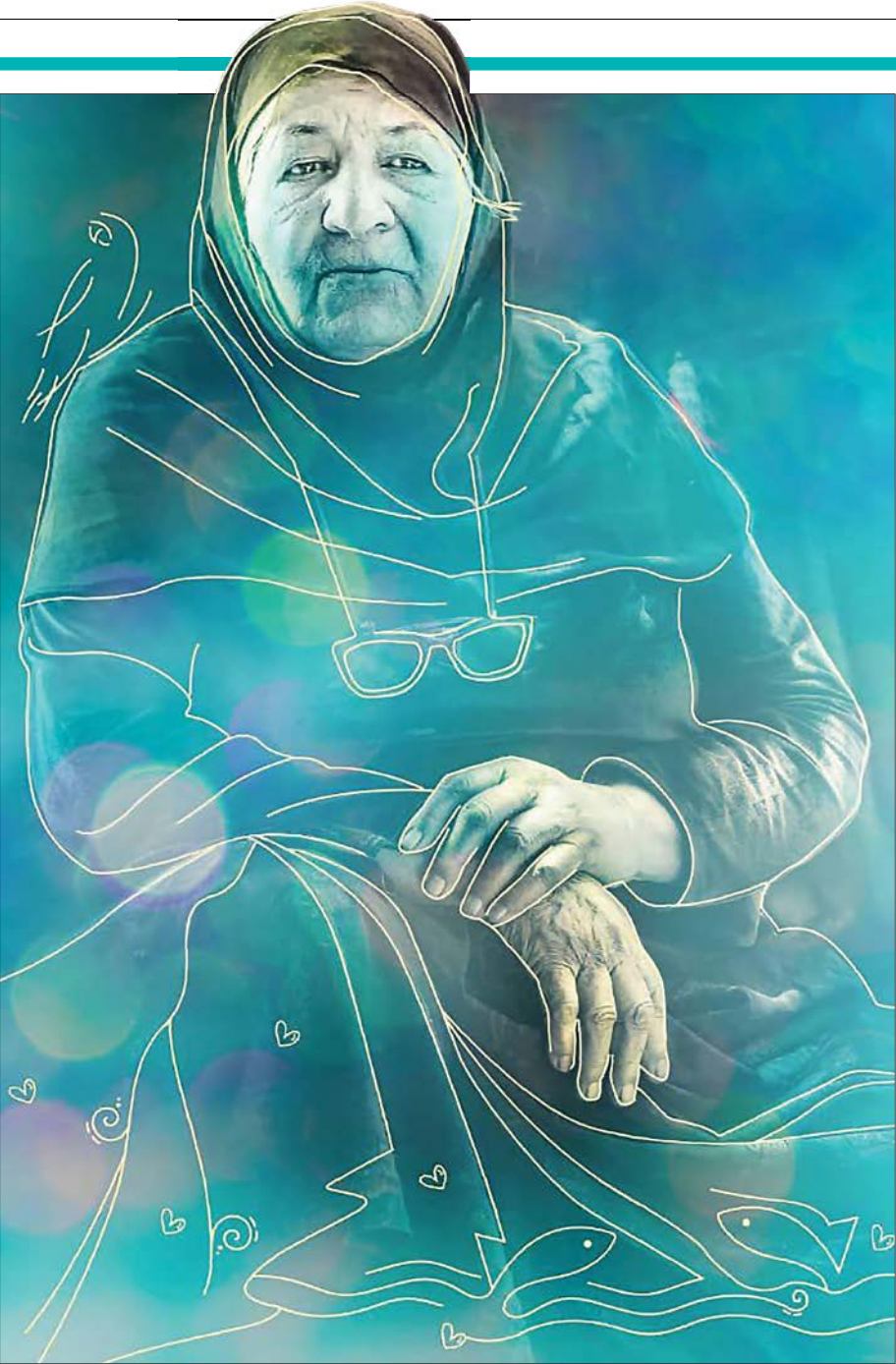
## مکت یک ننه عصمت دیگر

حالا که ذکر خبر خانم عصمت احمدیان شد، بد نیست یادی از یک عصمت خانم تاثیرگذار و دوست داشتنی دیگر کنیم که او هم ایرانی و مسلمان و مومن و حضور پربرکش متأثر از حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی زنان است. بانو فاطمه صفری فلکیان مشهور به ننه عصمت، بانوی جهادگر یزدی که دیروز برای رزمندگان جبهه، دستکش می‌بافت و پس از جنگ هم برای مرزداران کشور دستکش می‌بافت. علاقه‌مندان سینما به ویژه مخاطبان جشنواره مردمی فیلم عمار به خوبی او را می‌شناسند، چرا که جایزه دستکش ننه عصمت یکی از جوایز خاص این رویداد است به افرادی که در خط‌دگیری جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی فعالیت و اثرگذار ی جدی دارند، اهدا می‌شود. مسعود ده‌نمکی، مسعود شجاعی طباطبایی و مهدی نقویان از جمله دریافت‌کنندگان جایزه دستکش ننه عصمت هستند. مستند «ننه عصمت؛ نمای بسته‌ای از همسایه شقایق‌ها» به کارگردانی ایمان کیخا و تهیه‌کنندگی مرضیه قاسمی و روایت مرتضی نسیم سبحان، روایتی از این شخصیت تاثیرگذار و دوست‌داشتنی است.

سینمایی فارابی برگزار شد، گفت: سینمای ایران نشان داده تحریم شکن است.

ما تحریم‌های زیادی را تجربه کرده‌ایم اما تحریم فرهنگی تأثیرگذار نبوده و نیست. یگذا رید ساده‌تر بگویم سینماگران الزام‌هستی و دنیا را از دریچه محدود سیاستمداران نمی‌بینند و دوست دارند با زبان هنر، راهی به قلب انسان‌ها باز کنند و ترسیمگر زیبایی و صلح و غلظت باشند. او ضمن اشاره به

گسترش تعاملات با سینمای روسیه تصریح کرد: متأسفانه غرب با سیاست یکجانبه‌گرایی و انحصارخواهی خویش همواره کوشیده است میراث فرهنگی و بنیان‌های تمدنی و هنری ما را دچار چالش کند و در این راه استراتژی تحریم را در پیش گرفته است، اما معتقدم تفکر تحریم‌محور به‌ویژه در عرصه فرهنگ و سینما محکوم به شکست بوده و این واقعیتی است که سیاستمداران باید به آن توجه کنند./ جام جم



حال در نگاهی کلی و فراتر از بحث‌های شخصی، گویی مادران شهدای دیگر را هم نمایندگی می‌کند. با این عقبه حضور احمدیان در اهواز، آن‌طور که در روایت و به نقل از این شخصیت به آن اشاره می‌شود، او دیگر آن دختر روستایی غریب در اهواز نیست و حالا زندگی‌اش، بخشی از خاطرات این شهر است. حتی با تعمیم پذیری بیشتر، می‌توان زندگی بانو عصمت احمدیان را به نمایندگی از مادران و همسران و بانوان نمونه، بخشی از خاطرات ایران دانست و این شخصیت را به‌ویژه با این مستند درخشان به عنوان الگویی متأثر از حضرت زهرا(س) به زنان و دختران معرفی کرد. نمازخواندن عصمت خانم، پشت سر همسرش حاج جعفر فرجوانی هم از پلان‌های زیبای این مستند است که ووجه اسلامی و ایمانی آن، ارجاعاتی به همسری مومنه فاطمه زهرا(س) و حضرت علی(ع) دارد. باوجود همه تأثیرات احساسی که کاراکتر و روایت در مخاطب ایجاد می‌کند، شیرینی و شوخ طبعی شخصیت اصلی تا پایان غایب‌جانی ماندو به تبدیل و لطیف تلخ‌ها و ترازده‌ای سپری شده، تماشاگر را هرگز آگاهی به لیخندی هم مهمان می‌کند.

شوخ طبعی او وقتی با همسرش روی قبریهای خریداری شده‌شان هستند، به اوج می‌رسد و از تلخی فقدان قریب‌الووقع‌شان می‌کاهد. وقتی حاج آقا به قبرش اشاره می‌کند و بی‌اعتنا به قبری که قبلا بالای سر همسرش برای اوتعمین شده، می‌گوید: «من اینجا، کنارتم» احمدیان جواب می‌دهد: «این دست از سر ما برنی‌آید... دیگه دست از سر من بردار، برو دنبال حوری‌های بهشتی.»



برای تماشای مستند «بانو»  
کیو آرکد را اسکن کنید

## «معجزه» آماده نمایش شد

فیلم کوتاه «معجزه» به نویسنده‌گی و کارگردانی آرش جهانگیری و تهیه‌کنندگی مشترک فرحناز منافی طاهر و ایمان غفاری‌نیا با پشت سر گذاشن مراحل فیلمبرداری، آماده نمایش شد.



در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «مهم نیست به معجزه اعتقاد داشته باشی، مهم اینه معجزه به همراه خودش امید میاره و همین کافی است.» در فیلم کوتاه معجزه، بازیگرانی چون فرحناز منافی طاهر، ایمان غفاری‌نیا، سجاد خدایی، سوگند افشاری، محمد البرزبان، کاتبون حافظی، سحر اسدزاده، یونس احدی، حمزه ملکی، النا غفاری‌نیا، علیرضا غفاری‌نیا و پروین ملکی ایفای نقش کرده‌اند. عوامل دیگر این فیلم کوتاه عبارتند از مدیر فیلمبرداری: احمد گودرزی، مدیر صدابرداری: امیرعباس زاهدی، تدوین و اصلاح رنگ: محمد شهرستانیکی، آهنگساز و صداگذار: میلاد گوهری، طراح صحنه: الهام وحدت، ویژوال افکت: محمدمهدی فروغی، مدیر تولید و عکاس پشت صحنه: کیمیا پوراحمد./ مهر

## ساخت شهرک سینمایی در سوریه



در دنیا شناخته شده است. همچنین سینمای ایران میان مردم سوریه به واسطه جهانی شدنش و کارگردان‌های خوبی که دارد طرفداران زیادی پیدا کرده است. او افزود: در مدت حضور در ایران از شهرک سینمایی دفاع مقدس نیز دیدن کردم.

این شهرک برای ساخت فیلم‌های سینمایی تجهیزات بسیار خوبی دارد و طبق مذاکراتی که با رئیس سازمان سینمایی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی داشتیم، مقرر شد یک شهرک سینمایی مشترک با کمک ایران در سوریه بسازیم و برای ساخت از تجربیات ایران در این زمینه استفاده کنیم.

مدیرکل تبلیغات و اطلاع‌رسانی سوریه درباره موزه سینما هم بیان کرد: از دیدن موزه سینما به وجد آمدم. می‌توانم بگویم به معنای واقعی موزه است، زیرا در آن همه خاطرات سینمایی یک هنرمند را می‌توانیم ببینیم./ جام جم